

ارتباط صوت و معنی در قرآن کریم (پژوهشی در سوره نبأ)

انسیه خزعلی*

دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

نرگس شکوریان

کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

رسول دهقان ضاد

استادیار دانشگاه قم

(۹۵-۱۱۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱

چکیده

یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم، ارتباط صوت و موسیقی آیات کریمه با معنای آنهاست؛ امری که موجب تأثیرگذاری صوت قرآن بر کسانی شده که حتی معنای عمیق آیات را در نمی‌یابند. چینش حروف از لحاظ قرب و بعد مخارج، تقارب و تضاد صفات، تعدد و توالی حرکات و تأثیر آن بر صوت و موسیقی کلمات در آیات قرآنی، از جمله مواردی است که باعث ایجاد موسیقی تند و هراس‌انگیز، در آیات انذار و موسیقی نرم و آرامش‌آفرین، در آیات تبشیر می‌شود. این جستار به بررسی تأثیر صوت و آهنگ بر معنا در آیات انذار و تبشیر سوره مبارکه «نبأ» اهتمام دارد. در این پژوهش تلاش شده، با بهره‌گیری از ظرفیت علم‌الصوات در تبیین ویژگی‌های خاص حروف، شناخت آثار موسیقایی، ترکیب حروف و حرکات و بازخورد قرار گرفتن صفات و مخارج خاص در کنار یکدیگر، پیام صوتی آن‌ها در دو گونه متفاوت از آیات، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. شیوه پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از داده‌های صوتی در این آیات با شیوه بسامدشماری مقایسه‌ای بهره برده است. در این راستا، بسامدبایی میزان بهره‌مندی هر دو قسم، مورد توجه قرار گرفته و در چند جدول، مقایسه و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، صوت (موسیقی)، معنی، سوره نبأ، انذار، تبشیر.

* پست الکترونیکی نویسنده مسؤول: ekhazali@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از انواع اعجاز بیانی قرآن، ارتباط صوت و موسیقی با معنای آیات قرآن کریم است که تأثیر آن بر روی مخاطبان، قابل انکار نیست. صوت، همان پدیده‌ای است که بر اثر اتصال و یا برخورد دو جسم به یکدیگر شنیده می‌شود و مقصود از تأثیر موسیقی در قرآن کریم، انفعالی است که از سلطه آوای الفاظ بر شنوندگان، پس از استماع آن، حاصل می‌شود و در اثر آن، حالت‌های گوناگون از جمله آرامش، شادی، ترس، هیبت، وحشت و سایر حالات روحی و روانی به مخاطبان و شنوندگان منتقل می‌گردد. علاوه بر صفات و مخارج ویژه تک‌تک حروف، موارد دیگری که باعث این تأثیرگذاری می‌شوند، عبارت است از: چگونگی قرار گرفتن حروف در کنار یکدیگر از حیث قرب و بعد مخارج، تقارب و تباعد صفات، توالی حرکات، مدها، ابدال، ادغام و غیره. موارد ذکر شده، تأثیر ویژه‌ای بر چگونگی ایجاد موسیقی شدید و یا نرم دارند. این مقاله بر آن است تا با بررسی چگونگی چینش حروف دارای صفات و مخارج مختلف در کنار یکدیگر، به میزان تأثیر صوت بر معنی در کلمه و کلام - در آیات انذار و تبشیر - بپردازد تا به بخشی از ارتباط عمیق و تنگاتنگ صوت با معنی در این آیات دست یابد. محدوده این پژوهش، آیات سوره «نبا» است که در میان آیات قرآن، نمونه مناسبی برای ارائه این مفهوم است.

۱-۱ پیشینه پژوهش

می‌توان گفت تاکنون در این زمینه، پژوهشی که به صورت منسجم و کامل به یک سوره از قرآن کریم پرداخته و آیات انذار و تبشیر را به صورت آماری مورد استقراء قرار داده باشد، صورت نگرفته است. بیشتر تحقیق‌هایی که در این خصوص، انجام شده، محدود به برخی از کلمات در آیاتی پراکنده از قرآن کریم بوده که در آثار دیگر پژوهشگران نیز، مورد تکرار قرار گرفته است و بیشتر این تأثرات به آثار «سید قطب» در بررسی‌های زیبایی‌شناختی قرآن، «عائشه بنت الشاطی» در بحث اعجاز بیانی قرآن و برخی معاصران نزدیک‌تر مانند «محمدحسین الصغیر» در بررسی صوت لغوی در قرآن، باز می‌گردد.

۱-۲ شیوه پژوهش و سؤالات تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله، روش توصیفی-تحلیلی است؛ ضمن آن که از آمارهایی پیرامون بسامدهای این صفات در سوره مذکور استفاده شده است. این جستار به روش استقرایی در پی پاسخ به این سؤالهاست: ۱- مدها، توالی و تعدد حرکات در شدت یا نرمی آیات انذار و تبشیر چه تأثیری دارند؟ ۲- تقارب مخارج به یکدیگر و تباعد مخارج از یکدیگر، چه تأثیری در انتقال معنی دارد؟ ۳- مشابهت و تضاد صفات در جهت‌دهی و تبیین معنایی کلمه چه نقشی دارند؟ ۴- در بررسی آماری حروف دارای صفات خاص معنایی، چه تفاوتی بین آیات انذار و تبشیر مشاهده می‌شود؟

۲- صوت و موسیقی در زبان عربی

صوت را پدیده‌ای می‌شمارند که از اتصال جسمی با جسم دیگر حاصل شده و درک آن توسط قوه سامعه صورت می‌پذیرد (هلال، ۲۰۰۹: ۳۳). موسیقی نیز نغمه خاصی است که از طنین منظم حروف و کیفیت ترکیب آن‌ها در کلمات و همچنین مجاورت هدفمند کلمات در آیات حاصل می‌شود. در قرآن کریم، موسیقی دو گونه ظهور می‌یابد:

الف- زیبایی آشکار که در فواصل آیه‌ها، حروف مقطعه و هماهنگی وزن و روی صورت یافته و ضمن تفاوت با ساختار شعری، آن را دلنشین و آهنگین می‌نماید.

ب- زیبایی پنهان که در حرکات و نوع حروف مستعمل و در صفاتی مانند: صغیر، اطلاق، انزلاق و... نمود یافته، نرمی یا شدت خاصی به عبارات مذکور می‌بخشد (یاسوف، ۱۹۹۹ م: ۸۲).

۲-۱ تقسیمات صوتی

زبان‌شناسان، صوت کلامی را به دو قسمت صامت‌ها و مصوت‌ها، تقسیم کرده‌اند. صامت‌ها همان حروف ابجدی در زبان عربی هستند که شامل ۲۹ حرفند و صامت‌های حَلَقی، لَهَوی، شَجَری، ضِرْسِی، لَثَوی، نِطَعی، دَوْلَقی، اَسَلی، شَفَوی و جَوفی را شامل می‌شوند که خروج هر حرف از جایگاه خود، بر نوع موسیقی تأثیرگذار است. صامت‌ها بر اساس چگونگی تلفظ در تقسیم‌بندی جدید زبان‌شناسان به صامت‌های انفجاری،

احتکاکی، انفجاری - احتکاکی، غناء و منحرفه تقسیم می‌شوند (بیگری، ۱۳۷۰ش: ۱۵۰-۱۵۱). مصوت‌ها نیز شامل حرکت‌های فتحه، کسره و ضمه بوده و در چگونگی ایجاد موسیقی در کلام نقش دارند. برای نمونه، زبان شناسان ضمه و کسره را از حرکات سنگین و فتحه را از حرکات خفیف به حساب آورده‌اند (سعران، بی‌تا: ۱۵۳-۱۵۴). یکی دیگر از مواردی که باعث تأثیرگذاری زیاد در چگونگی ایجاد صوت و موسیقی در کلام می‌شود، چگونگی کشش مدها است که بر اساس کشش و قوت به موارد زیر تقسیم می‌شوند:

۱- مد لازم ۲- مد متصل ۳- مد عارض ۴- مد لین ۵- مد منفصل ۶- مد طبیعی (الحنفی البغدادی، ۱۹۸۷م: ۹۰).

۲-۲ مخارج و صفات حروف

۱-۲-۲ مخارج حروف

از دیگر عوامل مهم که شناخت آن برای یک محقق در زمینه صوت و موسیقی لازم است، مخارج حروف و صفات آن است. حروف به نسبت ترتیب مخارج به دو دسته قریب‌المخرج و بعیدالمخرج تقسیم می‌شوند. در مسأله تقارب، موارد زیر مورد توجه قرار می‌گیرند: الف - تقارب دو حرف در مخرج و اتحاد در صفت مانند: «حاء» و «هاء» که هر دو حلقی و شامل صفات همس، رخوت، انفتاح و استفالند.

ب - تقارب دو حرف در مخرج و صفت، مانند: «لام» و «راء» که هر دو از مخرج ذلقی بوده؛ اما از لحاظ صفت هر دو متوسط بین شدت و رخوت، و دارای صفات انفتاح، استفال و انحرافند.

ج - تقارب دو حرف در مخرج و تباعدشان در صفت مانند: «دال» و «سین» که اولی از مخرج نطعی و دومی از مخرج اسلی بوده و این دو حرف از جهتی تقارب در مخرج دارند؛ اما از لحاظ صفت با هم تباعد دارند؛ زیرا دال، شدید و مجهور است و سین، از حروف همس و رخوت است.

د - تقارب دو حرف در صفت و مخرج مانند: «شین» و «سین» که هر دو دارای صفت رخوت، انفتاح و استفال بوده و از جهت مخرج نیز با یکدیگر هماهنگی دارند (نادری، ۲۰۰۵م: ۲۷۳).

اما در مسأله تباعد، موارد زیر مورد دقت نظر است:

الف- تباعد دو حرف در مخرج و اتحاد آنها در صفت؛ مانند «نون» و «میم» که اولی ذلقی و دومی شفوی است، اما از لحاظ صفت هر دوی آنها مجهور و متوسط بین شدت و رخوتند.

ب- تباعد دو حرف در مخرج و صفت، مثل «میم» و «ضاد» که از لحاظ مخرج، دارای تباعد بوده، اما از لحاظ صفت، اولی دارای صفت انفتاح و استفال و دومی دارای صفت اطباق و استعلاء است (همان: ۲۷۴).

۲-۲-۲ صفات حروف

هر حرف دارای صفت منحصر به خویش است که در هنگام اداء و تلفظ آن، ایجاد می‌شود و نقش مهمی در مبحث صوت و تأثیر موسیقایی دارد. «زبان‌شناسان صفات حروف را به هفده قسم، تقسیم کرده‌اند. این صفات شامل: صفات جهر، همس، شدت، رخوت، توسط بین شدت و رخوت، استعلاء، استفال، اطباق، استفتاح، صغیر، قلقله، انحراف، تکرار، استطاله، تفشی، لین و غنه می‌شود» (صالح، ۱۹۶۹م: ۲۸۱). این صفات در دو دسته صفات قوی و ضعیف قرار می‌گیرند. صفات قوی به صفاتی گفته می‌شود که دارای قوت و شدت و بروز بیشتری در کلمه‌اند. مانند: جهر، شدت، صغیر، قلقله، انحراف، تکریر، تفشی، استطاله و غنه. صفات ضعیف به صفاتی گفته می‌شود که این شرایط را ندارند و با نرمی و آرامی خارج می‌گردند؛ مانند: همس، رخوت، خفاء، استفال، انفتاح، ذلاقه و لین (قحماوی، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

۲-۳ ارتباط صوت با معنی

صوتی که از تلفظ حروف ایجاد می‌شود، با معنا ارتباط خاصی دارد و تأثیر آن بر مخاطب، متفاوت از تأثیر کلمات هم‌معنی و مشابه است. «رافعی» صوت تأثیرگذار را صوتی می‌داند که دارای قوت و استحکام بوده، از نظر پایداری و دوام بتواند تا مدت‌ها مخاطب را تحت تأثیر خود نگه دارد (رافعی، ۱۹۹۰م: ۲۱۵). چینش و ترکیب حروف، علت اصلی دریافت‌های متفاوت از صدای کلمات است. برخی پر اسرار، برخی پر طنطنه، برخی دارای موج آرام و برخی دیگر خروشانند؛ همچنان که برخی تداعی خزیدن و

برخی دیگر جوشیدن و تعدادی کلمات، معنی نرمی یا سستی را به ذهن متبادر می‌سازند (الخالدی، ۱۹۸۹: ۱۰۸). بی تردید چگونگی به کارگیری این اصوات و ترکیب آن‌ها با هم در ایجاد حالات گوناگون از جمله: شادی، اندوه، هیجان، حماسه و یا آرامش در مخاطب، مؤثرند و نقش هر یک از مخارج و صفات در این امر قابل توجه است.

۲-۳-۱ مخارج حروف و ارتباط آنها با معنا

مخارج ادای حروف در ترکیب با سایر مخارج، پیام‌های بیشتری را با خود حمل می‌کند. برای نمونه در دو کلمه «عسف» و «اسف» که دو حرف مشترک دارند؛ معنی کلمه «اسف» که یک حرف آن (همزه) از مخرج دور و در اصطلاح «اقصى الحلق» است، شدیدتر از «عسف» است که از مخرجی نزدیک‌تر به «سین» ادا می‌شود و همین سنگینی در نزدیکی زیاد مخارج هم، نمود می‌یابد. تقارب یا نزدیکی حروف در مخرج نیز باعث ایجاد سنگینی در تلفظ کلمه بوده و این امر بر معنای کلمات نیز تأثیرگذار است. همچنان که تباعد حروف در مخرج نیز بر روی معنا تأثیرگذار است؛ مانند کلمه «أویی» در آیه شریفه «يَا جِبَالُ أُوَيْي مَعَهُ وَالطَّيْرُ» (سبأ/ ۱۰) که بر شدت عمل دلالت می‌کند؛ چرا که «همزه» از انتهای حلق است و از حروف قوی است؛ اما «واو» شفوی است و بین این دو مخرج تباعد زیادی وجود دارد (الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۸۹).

۲-۳-۲ صفات حروف و ارتباط آن با معنا

هنگامی که حروف در کلمه‌ها و ترکیب‌ها به کار می‌رود، خصوصیت و صفات آن‌ها به صورت بارزتری نمود می‌یابد. از این روست که کلمه‌ها و عبارات در وضوح و ابهام، طنین سنگین یا ضعیف، با یکدیگر متفاوتند. گاهی چون جویبار، آرام و آهسته و زمانی دیگر هم‌چون موج و طوفان، خروشنده و پر طمطراقند. به عنوان نمونه می‌توان به استفاده از حرف «دال» در آیه شریفه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ» (ق/ ۱۹) اشاره کرد. این آیه بیانگر خوف، وحشت، انذار و تهدید است و حرف «دال» که از حروف جهر و شدت و قلقله است، در هم‌جواری حرف مد، این پیام را به خوبی منتقل می‌کند. در حالی که کلمه «تحید» مترادف کلمه «تنحرف» و «تبتعد» بوده و

آن کلمات، نمی‌توانستند چنین پیامی را برسانند (صالح، ۱۹۶۹م: ۲۸۵).

۲-۳-۳ حرکت‌ها و مدها و ارتباط آن با معنا

در کنار تأثیرگذاری مخارج و صفات حروف، هرگز نباید نقش اساسی زیر و بم‌ها و قصر و مدهای حروف و فواصل، یا به دنبال هم آمدن آن‌ها در تبیین معنا، نادیده گرفته شود؛ به ویژه در زبان عربی که به زبان اعراب و حرکت معروف است و تغییر اعراب، تفاوت‌های معناداری را در جمله ایجاد می‌کند. گاه، خود حرکت، سنگینی دارد و گاه در مجاورت با حرکات دیگر یا در توالی یک حرکت این سنگینی ایجاد می‌شود و برعکس خفیف بودن برخی حرکات، موجب سرعت در ادا و انتقال سریع‌تر معنی می‌گردد. برای نمونه در آیه ﴿إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾ (العاديات / ۹ و ۱۰) ماهیت آهنگ حروف به تنهایی برای القای معنای مورد نظر کافی نیست، بلکه حرکت‌های موجود و صیغه صرفی به کار رفته، نقش مهمی را در این میان بازی می‌کند. اگر ضمه «باء» در «بُعْثِرَ» و به دنبال آن کسره «تاء» که از حروف لثوی است و فتحه «راء» در کنار هم نبود؛ (که یکی لب‌ها را جمع و نزدیک می‌کند و یکی بلافاصله پایین آمدن لب‌ها و باز شدن آن و دیگری بیرون دادن سنگینی را تداعی می‌نماید)، نمی‌توانستیم در حروف به تنهایی چنین راحه‌ای را حس نماییم. صحنه‌ای که تجمیع مردگان و برون ریختن ناگهانی آنان و منتشر شدنشان را در صحرای محشر به نمایش می‌گذارد (یاسوف، ۱۹۹۹م: ۲۳۱). همین حرکات در شکل بلند و مدی نیز پیام‌های خاص خود را دارد. مقاطع صوتی پر از کشش و تشدید در زبان عربی وجود دارند که با وجود ندرت این ترکیبات، فخیم‌ترین و پر طمطراق‌ترین آن‌ها را در قرآن کریم می‌یابیم که از دلالت صوتی آن‌ها می‌توان، شدت و گستردگی معنایشان را دریافت نمود. مانند: «الْحَاقَّةُ»، «الطَّامَّةُ»، «الصَّاحَّةُ»... اصواتی که با انعکاس صوتی و شدت موسیقی خود، هول و وحشت روز قیامت را بیان می‌دارند و شاهدهی بر امتزاج صوت و معنی در قرآنند (الصغیر، ۲۰۰۰م: ۱۶۸).

۳- تأثیر صوت بر معنی در سوره نبا

سوره نبا «متضمن خبر از آمدن یوم الفصل و صفات آن و استدلال بر حقیقت و

تردید ناپذیری آن است و با پرسش مردم از یکدیگر، از خبر قیامت، آغاز می‌شود. آن گاه در سیاق جواب و با لحنی تهدیدآمیز می‌فرماید: به زودی از آن آگاه خواهند شد و سپس برای ثبوت آن، به این دلیل استدلال می‌کند که نظام مشهود در عالم با تدبیر حکیمانه‌ای که در آن است، بهترین و روشن‌ترین دلالت را دارد، بر این که بعد از این دنیای متغیر و فناپذیر، جهان ثابت و باقی وجود دارد ... سپس آن روز را با ذکر حوادثش توصیف می‌کند که مردم همگی در آن احضار می‌شوند و همه یک جا جمع می‌گردند، طاغیان به سوی عذابی دردناک و پرهیزکاران به سوی نعیمی مقیم منتقل می‌شوند، و در آخر، کلام را با یک جمله تهدیدآمیز، ختم می‌کند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۲۵۶).

۳-۱ آیات انذار

آیات انذار مشتمل بر آیاتی است که با لحنی تهدیدآمیز و تند همراه است و بیشتر مخاطبان آن، مشرکان مکه‌اند. در مقابل این آیات، آیات تبشیر قرار دارد که با لحنی آرامش‌بخش، بر زیادی نعمت بر مؤمنان و سعادت آنان در بهشت، دلالت دارد. بسیاری از آیات سوره نبا، اختصاص به انذار دارد. این امر به منظور بیدارسازی و توجه دادن به امر خطیر و بزرگ در راه، صورت می‌پذیرد. در این سوره با توجه به مخاطبان معاند و انکارکننده قیامت، از شیوه‌های مختلف تأکیدی بهره گرفته شده و تکرار حرف ردع «کَلَّا» که پیام صوتی ویژه‌ای را حمل می‌کند؛ خود شاهد صادقی بر این امر است.

۳-۱-۱ انکار تصورات مشرکان و هشدار

(آیات ۵ - ۱ سوره نبا): عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۱﴾ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ﴿۲﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿۳﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۵﴾

با تلفظ کلمه «عَمَّ» احساس سنگینی و فشار بر مخاطب وارد می‌شود. این سنگینی ناشی از دوری مخرج «عین» حلقی و «میم» شفوی است که کثرت فاصله در مخرج را می‌رساند. ضمن آن که حرف عین، دارای صفت اصمات و جهر بوده، بر شدت این بار صوتی می‌افزاید، همچنین حذف صدای «آ» از «ما»ی استفهام، موجب حبس این فشار

در دهان و خروج غنه‌گونه آن از بینی و القای ابهام و استفهام به مخاطب می‌گردد. موسیقی مذکور، تداعی‌گر سختی‌های روز قیامت و سنگینی آن در سینه کافران و عدم تحمل کافران نسبت به این فشارهاست. «**عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ**» مورد استفهام را توصیف می‌کند. آهنگ این جمله کوتاه که با حرکات فتحه، پیش رفته و ناگهان با حرکت کسره و میم بسته می‌شود، خود نمایاننده عظمت و سکوت در برابر استفهام ما (در عمّا) است» (طالقانی، بی تا: ۳ / ۴). کلمه «**عَنِ النَّبِیِّ**» به دلیل وجود تباعد بین مخرج حلقی و ذلّقی، سنگینی خاصی را در تلفظ ایجاد می‌کند؛ همچنان که مشدد بودن حرف نون بر این فشار و سنگینی می‌افزاید. این دلالت‌های صوتی، بیان‌کننده شدت و عظمت این خبر و اسباب ریزش ترس و دلهره در قلوب کفار است. کلمه «**عَظِیْمِ**» بر وزن «**فَعِیْلٍ**» بر مبالغه و گستردگی عظمت خبر دلالت دارد. این کلمه، افزونی هول و هراس از این خبر را بیان می‌کند؛ چرا که تباعد مخرج «**عَیْنٍ**» حلقی و «**ظَاءٍ**» لثوی و «**مِیْمٍ**» شفوی، قوت فوق‌العاده‌ای را در تلفظ ایجاد می‌کند. صفت جهر و اصمات در «**عَیْنٍ**» و استعلاء و اطباق در «**ظَاءٍ**» و امتداد «**یَاءٍ**» مدی نیز بر امتداد و استمرار این ترس و عظمت آن دلالت می‌کند. اصل کلمه «**مُخْتَلَفُونَ**»، «**خَلْفٍ**» است که معنی لغوی آن، یکی به دنبال دیگری آمدن و جایگزین شدن است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۲ / ۳۷۴). زیادت و افزایش حروف مثل «**مِیْمٍ**» و «**تَاءٍ**» در این کلمه بر قوت کلمه و زیادی اختلاف در میان پرسش‌کنندگان درباره واقعت این امر دلالت دارد و حرکات فتحه و کسره و ضمه در کلمه «**مُخْتَلَفُونَ**»، بر تشّست و گوناگونی آراء و نظرات مختلف میان پرسش‌کنندگان درباره این روز عظیم اقرار دارد. توالی حروف مدی در کلمات «**الذِّی**»، «**فِیْهِ**»، «**مُخْتَلَفُونَ**» بر امتداد و استمرار این اختلاف در میان مردم پیرامون این مسأله اشاره دارد.

به نظر می‌رسد که تباعد مخرج در ماده «**عَلَمٍ**» در کلمه «**سِیَعْلَمُونَ**» از حلق تا کناره زبان و ختم شدن آن به لب‌ها، بر فهم حقیقت به تدریج و ترتیب دلالت دارد. صغیر «**سِیْنٍ**» که در ابتدای کلمه آمده است، برای تاکید وعید و بیم دهی به کافران است؛ آن‌هم نه با تهدیدی دور و ناپیدا. با کاربرد حرف سین از اتفاقی نزدیک که به زودی رخ خواهد داد و پاسخ پرسش خویش را به قطع و یقین دریافت خواهند نمود،

خبر می‌دهد. خبری که واقعی است و هیچ شکی در آن راه ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷هـ: ۶/۶۸۴). دو جمله فعلیه پی‌درپی «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» با طنین و حرکت خاص «كَلَّا» و برخورد آن با «سین» فعل مضارع و «ثم»، نمایاننده برگشت و نفی، آن‌گاه استمرار مطلب است. بدین ترتیب کلمات و ترکیب و حرکات و حروف آخر آن‌ها، با معانی، و معانی با واقعیات، هماهنگ و مطابقند» (طالقانی، بی تا: ۴/۳)

جدول ۱- داده‌های آماری انکار تصورات مشرکان و هشدار

آیه	شماره آیه	جهر	شدت	استعلاء	اطباق	اصمات	همس	رخوت	استفال	انفتاح	ذلاقة	تعداد صفات
عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ	۱	۷	۲	۰	۰	۵	۲	۲	۹	۹	۴	۴۰
عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ	۲	۱۰	۲	۱	۱	۴	۰	۱	۹	۹	۶	۴۳
الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ	۳	۸	۲	۱	۰	۶	۶	۶	۱۳	۱۴	۸	۶۴
كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	۴	۷	۱	۰	۰	۴	۲	۲	۹	۹	۵	۳۹
ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	۵	۹	۱	۰	۰	۵	۳	۳	۱۲	۱۲	۷	۵۲

۳-۱-۲ ترسیم عذاب و پیامدهای رفتاری مشرکان (آیات ۲۶-۱۷ سوره نبأ)

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلطَّاغِينَ مَابًا ﴿٢٢﴾ لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾

آیه‌های نخستین این مجموعه از برپایی قیامت و آثار هول‌انگیز آن سخن می‌گوید؛ ولی با عنایت به این که آن را مقدمه‌ای برای بیان وضعیت طغیانگران قرار داده است و ترسیم صحنه، تأثیر بسزایی در دریافت پیام دارد، می‌تواند نقش مهمی را در انداز

مذکور، ایفا نماید. «الفصل» به معنای آشکار شدن یکی از دو چیز است تا این که بین آن دو فاصله‌ای باشد؛ یعنی امروز حق از باطل آشکار شده و بین مردم حکم می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶/ ۲۸). حرف «صاد» احتکاکی در این کلمه، به سبب دارا بودن صفت اصمات، صغیر، اطلاق و استعلاء، بر عظمت این روز دلالت دارد. «مِقاتا» اصل آن، «وقت» است؛ «واو»، «قاف» و «تاء» اصلی است که به اندازه و حد یک چیز و عمق آن دلالت دارد (ابن فارس، ۲۰۰۸م: ۶۴۱/۲). حرف «قاف» انفجاری در این کلمه به سبب صفات استعلاء، اطلاق، اصمات و جهری که دارد، بر عظمت و قوت این روز دلالت دارد. «نُفخ» نون و فاء و خاء، اصل کلمه صحیحی که بر معنی دمیدن و بالاگرفتن، دلالت می‌کند (ابن فارس، ۲۰۰۸م: ۵۷۳/۲). «خاء» از حروف حلقی احتکاکی است و صفت استعلائی دارد که بر شدت نفخ و دمیدن با قوت از یک مکان بلند دلالت می‌کند. «نفخ» از «نُفخ» قوی‌تر است؛ به سبب صفت استعلاء و اصماتی که دارد. حرف «صاد» در کلمه «الصُّور» به سبب صفت صغیری که دارد، بر انتشار و پراکنده شدن صدا در فضا دلالت می‌کند و با معنی نفخ و دمیدن شیپور در روز قیامت تناسب دارد. صفت جهر، استعلاء و تشدید بر شدت و رسایی این اعلان عام دلالت می‌کند؛ همچنانکه حرف مدِ واوی از طول، امتداد و استمرار صدای این شیپور حکایت می‌کند. حرف «فاء» در کلمه «فَتَاتُونَ» تعقیب و استمرار را می‌رساند (سیوطی، ۱۳۶۳ق: ۵۷۴). و بر آمدن به سرعت و بی فاصله بعد از دمیدن در شیپور دلالت دارد؛ زیرا حرف مهموس و خفیف بر سرعت و عدم فصل دلالت می‌کند.

در کلمه «الفوج»، فاء و واو و جیم بر تجمع دلالت می‌کند (ابن فارس، ۲۰۰۸م: ۳۲۳/۲). به نظر می‌رسد تجمع حروفی که در مخرج تقارب دارند، مثل «فاء» و «واو» در کلمه «افواجا» می‌تواند بر تجمع مردم همسان در گروه‌ها و دسته‌های مختلف رهنمون گردد؛ همچنان که صفت شدت در «جیم» شجری در جوار «الف» مدی بر کثرت و امتداد آمدن آن‌ها به صحرای محشر دلالت می‌کند. کلمه «سما» بر ارتفاع و بلندی دلالت می‌کند و مد متصل که دارای چهار یا پنج حرکت است، بر شدت بلندی آسمان و امتداد

آن از زمین به آسمان دلالت می‌نماید و در حقیقت بر عظمت این روز دلالت می‌کند. «ابوابا» جمع «باب» است، گویی که تکرار حرف «باء» و آمدن «الف» بعد از «باء» و باز شدن دهان به هنگام تلفظ آن، بر باز شدن درهای آسمان دلالت می‌نماید. در آیه ۲۰، کلمه «تسیر» به معنای چیزی را در حال حرکت قرار دادن است و در این جا بر انتقال از مکانی به مکان دیگر اطلاق می‌شود؛ یعنی کوهها را انتقال داد و از جایگاه خودش به سرعت حرکت داد (ابن عاشور، ۲۰۰۰م: ۳۰/۳۵).

در کلمه «الجبال»، «جیم» و «باء» و «لام» اصلی است و بر تجمع یک چیز در ارتفاع دلالت می‌کند (ابن فارس، ۲۰۰۸م: ۲۵۷/۱). حرف «جیم» در این کلمه، دارای صفات اصمات و شدت است و حرف «باء» از حروف شدید و مجهور است. این صفات از صفات اصلیند. اضافه شدن «الف» برای بیان ارتفاع است؛ غلبه کردن صفات قوی در «جیم» و «باء» بر کثرت و تجمع یک توده خاکی دلالت می‌کند.

کلمه «جهنم»: اصل ثنائی آن «جه» و ثلاثی آن «جهم» به معنای شدت است؛ یعنی مکان شکنجه منافقان و کافران (البیطار، ۲۰۰۵: ۲۵۶). این کلمه به سبب تباعد مخرج «جیم» شجری از «هاء» حلقی و همچنین به دلیل اینکه «جیم» از «هاء» به سبب صفت شدت، جهر و اصماتی که دارد قوی‌تر است باعث ایجاد سنگینی در تلفظ می‌شود و بر شدت شکنجه و عذاب دلالت دارد. همچنان که اشتراک صفت غنه در «میم» و «نون» بر شدت و زجر مشرکان اشاره دارد.

معنی کلمه «مرصاد» به معنی کلمه «میقات» نزدیک است؛ چون هر دو برای جزاء و عقاب طغیانگران مشخص شده‌اند. از این رو، «مرصاد» را مکان رصد دانسته‌اند؛ یعنی مکان مراقبت کردن و بر وزن مفعال ضبط شده است. در این جا به معنی خبری است که با آن از جهنم برای مبالغه خبر داده می‌شود؛ یعنی گویی که آن مکانی است برای رصد، و مرصاد به معنی کثرت و زیادی رصد و مراقبت است؛ مثل صفت «مغیار» (ابن عاشور، ۲۰۰۰م: ۳۲/۳۰). تجمع حروفی که تقارب در مخرج دارند مثل «راء» ذلقی، «دال» نطعی و «صاد» أسلی در کلمه «مرصاد» نشان دهنده کثرت و شدت رصد و مراقبت از طغیانگران است؛ کسانی که جهنم کمینگاهی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

در آیه «لِلطَّاغِيْنَ مَأْبًا» سرکشان کسانی هستند که متصف به صفت طغیانند، و خروج از حد، کار همیشگی آنان است، و کلمه «مأب» اسم مکان از ماده «أوب» است، که به معنای رجوع است و اگر جهنم را محل برگشت طاغیان خوانده، به این عنایت بوده که خود طاغیان در همان دنیا، جهنم را مأوای خود کردند، پس صحیح است بگوییم به جهنم بر می‌گردند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۲۷۱). حرف «طاء» در کلمه «طاغین» به جهت صفت استعلاء و اطباقی که دارد، از قوی‌ترین حروف محسوب می‌شود و حرف «الف» مدی در جوار «طاء»، تجاوز مشرکان و استمرار آنها را در گناه و عصیان ترسیم می‌کند. در کلمه «مأبا» «همزه»، «واو» و «باء» اصل واحدی هستند و به معنای محل رجوع می‌باشند (ابن فارس، ۲۰۰۸ م، ۸۳). این کلمه از حیث مخارج و صفات با معنی در تناسب است؛ چرا که حرف «میم» از لب‌ها شروع می‌شود و با همزه متصل، به «الف» مدی که به اقصی‌الحلق مرتبط است، رسیده و دوباره به حرف «باء» در همان مخرج، ختم می‌شود. این مخارج با کلمه «مأب» که به معنای بازگشتن به محل نخست است، هماهنگ‌تر است. از سوی دیگر صفات جهر و شدت در «باء» و «میم» از بازگشت کافران به جهنم و استمرار و دوام آنها در عذاب آتش حکایت می‌کند و فراوانی حروف مدی در آیه، گستردگی قهر و غضب را به مخاطب القاء می‌نماید.

اصل ثنائی کلمه «اللابثین»، «لبث» بمعنی لزوم، مکث کردن و اقامت گزیدن است (البيطار، ۲۰۰۵: ۳۱۲). توالی مد طبیعی در «لابثین، احقبا» با معنی همراهی دارد و بر استمرار وجود کافران و دوام آنها در جهنم دلالت دارد.

در کلمه «أحقاب»، «حاء»، «قاف» و «باء» اصلیند که بر حسب دلالت می‌کنند (ابن فارس، ۲۰۰۸ م: ۴۶۸/۲). کلمه «أحقاب» به معنای زمان‌های بسیار و روزگاران طولانی است که آغاز و انجام آن مشخص نباشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۲۷۱). اگر در کلمه‌ای دو حرف حلقی وجود داشته باشد، حرف قوی بر ضعیف غلبه می‌کند؛ مثل «أهل»، «أحد»، «أخ» (المبارک، بی‌تا: ۲۵۱). پس «همزه» بر «حاء» غلبه می‌کند؛ زیرا این دو حرف، تقارب در مخرج دارند؛ پس همزه قوی موجب احساس سنگینی بسیار در کلمه می‌شود. همچنان که «قاف» به جهت صفت استعلاء و اطباق به این فشار کمک می‌کند و «الف»

مدی بر استمرار آن‌ها در این حبس اشاره می‌نماید. حرف «لا» برای نفی راحتی و تنعم کافران است و تکرار «واو» مدی همراه با «قاف» تفضیم شده در کلمه «یذوقون» در سیاق فعل مضارع، بر پیایی چشیدن و ماندگاری عذاب دلالت می‌کند.

کلمه «شرابا» از «شرب» اصل ثلاثی و «شر» اصل ثنائی، به معنی اتساع و انتشار است (البیطار، ۲۰۰۵م: ۲۸۱). انتشار در این کلمه از حرف «شین» به سبب صفت تفشی و گستردگی و توالی «الف» جوفی احساس می‌شود.

آمدن «باء» انفجاری در این کلمه برای تبیین شدت در نطق است و ادغام «نون» ساکن و «واو» در آیه از نوع ادغام متقارب است (موسوی بلده، ۱۳۸۷ ش: ۱۳۱). به نظر می‌رسد که ادغام دو کلمه «بردا و لاشرابا» یک نوع قطعیت و استحکام را در تحریم نوشیدنی گوارا القا می‌کند که با مفهوم انذار و تهدید کافران تناسب دارد. کلمه «حمیم» متشکل از «حاء» حلقی و «میم» شفوی است، پس «حاء» و «میم» از لحاظ مخرج، متباعدند و این، علت سنگینی کلمه در تلفظ است. همچنان که صفت اصمات در «حاء» به این سنگینی اضافه می‌کند. همچنین تکرار دو «میم» با فاصله مدی، دال بر مداومت، بیانگر چسبندگی و اتصال است. این تعبیر در بیان شدت نفوذ و سوزندگی درونی این شراب، تصویرگر مناسب و زیبایی است. «غساق» اصل صحیحی است که بر ظلمت دلالت می‌کند (ابن فارس، ۲۰۰۸م: ۳۱۷/۲). در تباعد «غین» و «سین» احتکاک، قوتی را در تلفظ احساس می‌کنیم. همچنان که حرف «قاف» به سبب صفاتی قوی، همچون جهر و شدت، بر این قوت اضافه می‌نماید و تشدید بر روی «سین» بر شدت این تاریکی و ترس در روز قیامت دلالت می‌کند. «جزاء» اصل ثنائی آن «جز» و اصل ثلاثی آن «جزی» به معنی عقوبت کردن است (البیطار، ۲۰۰۵: ۲۵۴). در «جیم» و «زای»، صفات قوی همچون اصمات و شدت وجود دارد و مد متصل که شامل چهار یا پنج حرکت است، بر امتداد جزاء و عقوبت دلالت می‌کند و شدت این عقوبت مطابق با میزان کفر و عصیان است.

«وفاق» مصدر سماعی رباعی از «وافق» بر وزن «فعال» است و در معنی صیغه مبالغه استعمال شده است. «واو» و «فاء»، تقارب مخرج دارند و در چنین شرایطی، حرف قوی

بر ضعیف غلبه می‌کند. «واو» قوی‌تر از «فاء» است و به سبب صفت جهر، اصمات و تفخیم، فضای عمومی کلمه را به نفع خویش رقم می‌زند و هول عذاب را به شنونده منتقل می‌نماید.

جدول ۲- داده‌های آماری ترسیم عذاب و پیامدهای رفتاری مشرکان

تعداد صفات	ذلاقة	افتتاح	استفال	رخوت	هس	اصمات	اطباق	استعلاء	شدت	جهر	شماره آیه	آیه
۶۸	۸	۱۴	۱۳	۴	۴	۷	۱	۲	۴	۱۱	۱۷	إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا
۹۶	۸	۱۸	۱۷	۱۱	۹	۱۲	۲	۳	۵	۱۱	۱۸	يَوْمَ يُفْعَلُ فِي الصُّورِ قَتْلَانٌ أَفْوَاجًا
۷۸	۶	۱۶	۱۶	۷	۸	۱۰	۰	۰	۷	۸	۱۹	وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا
۷۹	۸	۱۷	۱۷	۶	۶	۹	۰	۰	۵	۱۱	۲۰	وَسِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سُرَابًا
۶۳	۷	۱۳	۱۳	۲	۴	۷	۱	۱	۵	۱۰	۲۱	إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا
۳۷	۴	۶	۵	۱	۰	۴	۲	۳	۴	۸	۲۲	لَطَّاعِينَ مَا بَأْسًا
۴۸	۵	۱۰	۹	۴	۴	۵	۰	۱	۴	۶	۲۳	لَا يَبِينُ فِيهَا أَخْفَاءُ
۷۵	۸	۱۶	۱۵	۷	۳	۸	۰	۱	۴	۱۳	۲۴	لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا
۵۶	۴	۱۲	۱۰	۶	۳	۸	۰	۲	۲	۹	۲۵	إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا
۳۵	۱	۷	۶	۴	۱	۶	۰	۱	۳	۶	۲۶	جَزَاءً وَفَاءً

۳-۱-۳ ترسیم پشیمانی و پیام‌های صوتی آن

(آیات ۳۰ و ۴۰ سوره نبا):

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

این آیات، خطاب و تهدیدی است برای کافران و بیانگر نزول عذاب شدید بر آنان است. لفظ «ذوقوا» برای توییح به کار رفته است؛ به این معنی: پس بچشید که جز عذاب چیزی بر شما نمی‌افزاییم. این عذاب پایان نمی‌یابد، بلکه به تدریج و استمرار، افزایش می‌یابد. این آیه با لحن خطاب سریع و خشن، حضور کافران را در برابر قدرت

خداوند ترسیم می‌کند» (طالقانی، بی‌تا: ۵۰/۱). کلمه «نزیدکم» از «فتحه» خفیفه شروع می‌شود، تا این‌که به حرکت ضمه بر روی «کاف» و بسته شدن لب‌ها با «میم» ساکنه ختم می‌گردد. این حرکات از فتحه خفیف تا ضمه سنگین بر افزایش تدریجی عذاب بر کافران و محبوس شدن آنان در آن با بسته شدن راه خروج هوا، دلالت می‌نماید. در معنای ضمنی آیه می‌توان درخواست تخفیف یا تقاضای بهره‌مندی از نعمت‌ها را یافت، لذا با تأکیدی چون «لن» که برای نفی ابد است و «الّا» که حصر را تبیین می‌نماید، بر عدم تجدید نظر در احکام صادره آنان پافشاری نموده، علت آن را در آیه بعد، اتمام حجت در دنیا می‌داند.

کلمه «عذابا» از «عذب» به معنی عقوبت و شکنجه‌ای است که از تبعات عمل، حاصل می‌شود (البیطار، ۲۰۰۵م: ۲۹۳). مراد از این «عذاب»، عذاب آخرت است و نزدیک بودن آن به اعتبار حق بودن و بدون شک انجام یافتن آن است؛ زیرا هر چه آمدنی باشد، نزدیک است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۲۸۴). همچنان که دوری مخارج «عین» و «ذال» احتکاک در این کلمه و نزدیکی آن‌ها در صفت جهر و اصمات، بر قوت این کلمه و سختی ماده عذاب دلالت می‌کند و توالی «الف» در این کلمه با گستردگی عذاب بر کافران تناسب دارد. از سوی دیگر به دلیل کوتاهی دنیا، وقوع قیامت سریع و نزدیک تلقی می‌شود.

کلمه «أذرناکم» از «نذ» اصلی ثنائی و «نذر» ثلاثی، به معنای آگاه نمودن و دادن خبری است که با بیم و ترس همراه باشد (البیطار، ۲۰۰۵م: ۳۲۰). حرف «راء» به دلیل داشتن صفت تکریر، برای بیان تکرار انذار و ترس از جانب خداوند متعال است و صعود حرکات‌ها از فتحه خفیف به ضمه ثقیل و سنگین در کلمه «أذرناکم» بیانگر انذار تدریجی و شدت و قوت درجه انذار، ترس و عذاب است.

در کلمه «قربیا»، «قاف» انفجاری به سبب صفت جهر و شدتی که دارد و «راء» به سبب تفخیم شدن بعد از «قاف» مفتوح؛ همچنین وجود صفت شدت در «باء» انفجاری بیانگر عظمت، قرب عذاب و حتمیت تحقق امری است. توالی «الف» در کلمه «عذابا قربیا» بر گستردگی و فراگیری این عذاب دلالت دارد. حرف «ظاء» در کلمه «ینظر»

به جهت صفت جهر، استعلاء، اصمات، اطباق و ضمه بر روی این حرف، شدت حادثه روز قیامت و تحسر و ندامت کافران را بیان می‌دارد؛ به گونه‌ای که آرزوی عدم وجود می‌کنند. این ابراز احساس می‌تواند اشاره به دو امر باشد: نخست این که آدمی که از خاک به وجود آمده، آرزو می‌کند که ای کاش هیچگاه موجود نشده بود و یا اشاره به زمان بعد از مرگ و به خاک سپردن و تبدیل دوباره او به خاک دارد که آرزو می‌کند، کاش در همان حال مانده و مبعوث نگردیده بود. آمدن «باء» تنبیه در کنار «لیت»، تداعی گر ناتوانی در جلوگیری از عذاب و تقدیرهای آن روز است.

جدول ۳- داده‌های آماری ترسیم پشیمانی و پیام‌های صوتی آن

آیه	جهر	شدت	استعلاء	اطباق	اصمات	همس	رخوت	استفحال	انفتاح	ذلاقة	تعداد صفات
فَذُوقُوا فَلَنْ نَرِيَّكُمْ إِلَّا عَذَابًا	۱۴	۵	۱	۰	۸	۳	۵	۱۶	۱۷	۹	۷۸
إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا	۴۷	۱۹	۴	۱	۲۹	۹	۱۳	۵۲	۵۶	۲۷	۲۵۷
جمع جدول ۳ و ۲، ۱	۱۹۵	۷۵	۲۱	۸	۱۳۷	۶۷	۸۴	۲۴۱	۲۵۵	۱۲۵	۱۲۰۸
درصد	۱۶%	۶%	۲%	۱%	۱۱%	۶%	۷%	۲۰%	۲۱%	۱۰%	۱۰۰%

۳-۲ آیات تبشیر (سوره نبا)

با توجه به موقعیت نزول آیات این سوره که در مکه و در اوج انکار مشرکان و مقابله با آنها بوده است، غلبه انذار بر تبشیر مشهود است. در کنار آیات مذکور، اشاره به مؤمنان، دلجویی از آنان و تنبه دادن کافران به وجود جایگاه‌های منحصر به فرد برای

مؤمنان، می‌تواند ترغیب‌گری را در کنار بازدارندگی به نمایش گذارد. این آیات در توصیف مؤمنانی است که به خدا ایمان دارند و مشکلات را در راه رضایت پروردگارشان تحمل می‌کنند. صوت و موسیقی نیز در این آیات با آیات انذار متفاوت بوده، با لحنی آرام، شادی و زندگی جاویدان قیامت را همراه با فراوانی نعمت‌ها به مؤمنان بشارت می‌دهد.

۳-۲-۱ ترسیم تنعم و آسایش اخروی (آیات ۳۱-۳۶ نبأ)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿۳۱﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۲﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۳﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿۳۴﴾
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿۳۵﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿۳۶﴾

در کلمه «حدائق» تباعد مخرج «حاء» احتکاکی و «دال» انفجاری و آمدن بدون فاصله حرف مدی دارای کشش طولانی، موسیقی خاصی را در تلفظ ایجاد می‌کند که گویی تصویری از کثرت باغ‌ها و درختان انبوه در بهشت را پیش رو مجسم می‌نماید. صفت اصماتی که در «حاء» احتکاکی وجود دارد و صفت شدتی که در «دال» وجود دارد، بر این امر، مهر تایید می‌زند. همان‌گونه که مد متصل که شامل چهار یا پنج حرکت است، بر امتداد و بلندی درختان بهشتی اشاره دارد.

در کلمه «اعنابا» تقارب مخرج «همزه» و «عین» حلقی، فشاری را در تلفظ ایجاد می‌کند. تکرار «الف» جوفی و گستردگی تلفظ آن در مخرج نیز کثرت تنعم و استمرار بهره‌مندی‌های تجمیع شده در بهشت را به ذهن متبادر می‌سازد. کلمه «کواعب» جمع «کاعب»، به معنای کنیزی است که سن آن به حدود ۱۵ سال رسیده باشد (ابن عاشور، ۲۰۰۰م: ۴۰/۳۰). تنوع مخارج حروف در این کلمه و زیر و بم شدن اصوات، بر تنوع لذایذ و عدم یکنواختی آن توجه می‌دهد. «اتراب» جمع ترب و آن صفت کسی است که فروتنی برای او ثابت و به تسلیم و فرمان‌برداری منسوب شده باشد. اطلاق این صفت به حورالعین به دلیل نهایت خضوع و طاعتشان است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۳۸۳/۱). همچنانکه کثرت دامنه نعمتها و مزایا را در تباعد مخرج همزه و تاء در این کلمه احساس می‌کنیم.

کلمه «دهاق» صفت مشبه از «دهق الکأس» و به معنی پر کردن است (صافی، ۱۴۱۸ق: ۲۲۰/۳). در تباعد مخرج «دال» نطعی و «هاء» حلقی، سنگینی در تلفظ احساس می‌شود که بر لبریز بودن جام‌ها از شراب دلالت می‌کند و صفت استعلاء موجود در «قاف» و توالی «الف» مدی این خصوصیت را افزایش می‌دهد. «در کلمه «سمع»، «سین» و «میم» و «عین» یک اصل واحد است و مقصود از آن مأنوس شدن چیزی با گوش مردم است» (ابن فارس، ۲۰۰۸ م: ۵۷۰/۱). حرف واو مدی در کلمه «یسمعون» با استمرار و بقاء اهل بهشت در نعمت و راحتی، تناسب دارد.

اصل ثلاثی کلمه «کذابا»، «کذب» و ثنائی آن «کذ» و معنای اصلی آن ضعف است (البیطار، ۲۰۰۵ م: ۲۸۳) و شاید بدین علت که دروغگو به سبب ضعف و ناتوانی به چنین امری اقدام می‌نماید، بر آن اطلاق گردیده است. کلمه «کذابا» شدیدتر از «کذب» بوده و مصدر آن مکاذبه است (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق: ۲۸۳/۲). تباعد «کاف»، «ذال» و «باء» در مخرج و تشدید بر روی «ذال»، بر بعد و دوری این نوع شنیدار از بهشتیان دلالت دارد. همچنان که «لا»ی نفی در ابتدای جمله، این کذب را از اهل بهشت نفی می‌کند. در واقع، پس از توجه به انواع نعمت‌های دیداری و شنیداری، از آرامش آنان به دلیل دوری از سخنان نامربوط حکایت می‌نماید.

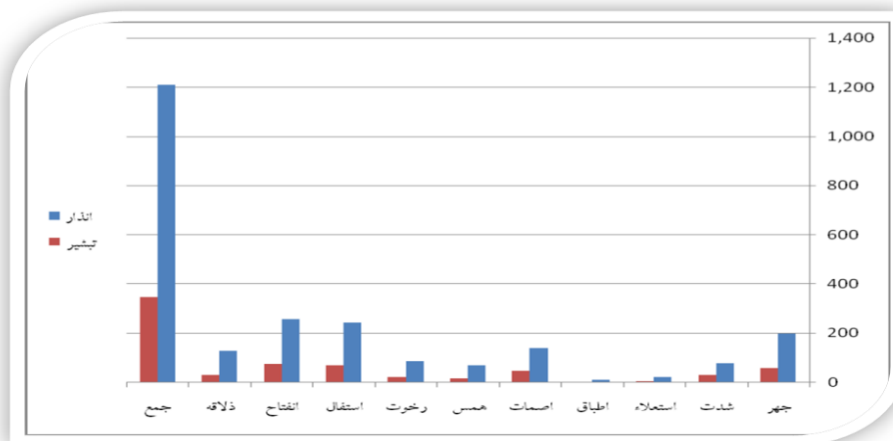
«جزاء» دادن چیزی در عوض کاری است و «حسابا» در این جا برای مبالغه آمده و صفت برای کلمه «جزاء» است؛ یعنی آن ثواب زیادی است که برای اعمال مؤمنان در نظر گرفته شده و تنوین در آن برای بیان کثرت و زیادت است (ابن عاشور، ۲۰۰۰ م: ۴/۳۰). «حسابا» ضمن بیان قاعده‌مندی در عطای الهی از ریشه «حسب» به نوعی بر کافی بودن و به اشباع رساندن نیاز بهشتیان دلالت دارد.

حرف «جیم» در کلمه «جزاء» به سبب صفت اصمات و شدت، و حرف «زای» به جهت صفت صغیر و مد متصلی که دارای چهار یا پنج حرکت است، بر کثرت، قوت، امتداد و اتصال نعمت به مؤمنان اشاره دارد.

جدول ۴- داده‌های آماری در آیات تبشیر

عنوان آیه	جهر	شدت	استعلاء	اطباق	اصمات	همس	رخوت	استفال	انفتاح	ذلاقة	تعداد صفات
إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا	۱۰	۴	۱	۰	۵	۳	۲	۱۲	۱۳	۸	۵۸
حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا	۸	۵	۱	۰	۷	۱	۲	۸	۹	۲	۴۳
وَكَوَاعِبَ أُنْرَابًا	۷	۵	۰	۰	۶	۲	۲	۹	۹	۳	۴۳
وَكَأْسًا دِهَاقًا	۵	۴	۱	۰	۷	۳	۳	۷	۸	۱	۳۹
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا	۱۴	۲	۱	۰	۱۱	۴	۱۰	۱۷	۱۸	۷	۸۴
جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا	۱۴	۸	۱	۱	۹	۳	۳	۱۶	۱۶	۸	۷۹
جمع	۵۸	۲۸	۵	۱	۴۵	۱۶	۲۲	۶۹	۷۳	۲۹	۳۴۶
درصد	۱۷%	۸%	۱%	۰%	۱۳%	۵%	۶%	۲۰%	۲۱%	۸%	۱۰۰%

نمودار آماری صفات حروف در آیات تبشیر و انذار سوره مبارکه نبأ



۴- نتیجه

بی‌شک یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم، تأثیر الفاظ و ظاهر آیات بر مخاطب و پیوستگی لفظ و معنا در گزینش حروف، کلمات و چگونگی چینش آنهاست. این

پژوهش به دنبال کشف برخی از این زیبایی‌ها و علت تأثیرگذاری عمیق آن‌ها در مخاطب با بررسی مخارج و صفات حروف در کلمات مستعمل در سوره «نبأ» و کیفیت ترکیب آن‌ها و بهره‌مندیشان از حرکات کوتاه و بلند، به موارد زیر دست یافت:

۱- توالی و تعدد حرکات و امتداد مدها در آیات انذار، بر شدت و قوت تهدید مشرکان و کافران دلالت می‌کند و این مسأله در آیات انذار، از فراوانی بیشتری نسبت به آیات تبشیر برخوردار است.

۲- تباعد مخارج حروف با معنای کلمات در ارتباط است و باعث استحکام کلمات در آیات انذار گردیده و از سویی بر شدت عذاب در روز قیامت، دلالت می‌کند.

۳- همان‌گونه که در کلمات، استفاده از حروف با صفات مشابه، موجب توانمندی کلام و انسجام ایجابی آن می‌گردد؛ تضاد صفات سایه‌ای، نقل و انتقال سریع و پرشتاب را تداعی‌گر است که در آیات انذار، این امر، مشهودتر است.

۴- صفات حروف به تنهایی در بررسی آماری آیات انذار و تبشیر نمی‌تواند بیانگر شدت یا لینت باشد، بلکه جایگاه آن در کنار مخارج و صفات دیگر، شکل‌گذاری به وسیله حرکات و نوع ترکیبی آن است که پیام صوتی خاصی را به شنونده منتقل می‌سازد.

۵- تمرکز این سوره بر روز قیامت و هشدار دهی و انذار کافران است و در آن صفات قوی همچون: «جهر» ۱۶٪، «شدت» ۶٪ و «اصمات» ۱۱٪ به کار رفته است. با توجه به این که صفات جهر و شدت، بالاترین نسبت را در بیان عذاب و حتمیت آن دارد، در بسامد شماری، این حروف بیشترین تعداد را در آیات انذار به خود اختصاص داده است.

۶- در آیات تبشیر، هدف بشارتی است بر مؤمنان به بهشت و باغ‌های پر از درختان انبوه. نسبت «جهر» در این آیات ۱۷٪، شدت ۸٪، استعلاء ۱٪ و اصمات ۱۳٪ است که در ترکیب حروف؛ قوت و کثرت نعمتها بر مؤمنان احساس می‌شود.

منابع

القرآن الکریم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ، ۲۰۰۰م.

- ابن فارس، أبو الحسين، معجم مقاييس اللغة، لبنان، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٨ م.
- أبو عبيدة، معمر بن المثنى، معجم القرآن، القاهرة، مكتبة الخانجي، ١٣٨١ ق.
- بيگلری، حاج حسن، سربليان في علم القرآن، انتشارات ايرانمهر، ١٣٧٠ ش
- البيطار، حسام، إعجاز الكلمة في القرآن الكريم: وجه غير مسبوق في إعجاز الكلمة المفردة، عمان، دار مجدلاوي للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ٢٠٠٥ م.
- الحنفي البغدادي، جلال، قواعد التجويد واللقاء الصوتي، نشر وزارة الاوقاف و الشؤون الدينية في العراق، ١٩٨٧ م.
- الخالدي، صلاح عبدالفتاح، نظرية التصوير الفني عند سيد قطب، دار المنارة، الطبعة الثالثة، ١٩٩٢ م.
- داوود، محمد، الدلالة والحركة: دراسة لافعال الحركة في العربية المعاصرة في اطار المناهج الحديثة، القاهرة، دار غريب، ٢٠٠٢ م.
- الرافعي، مصطفى صادق، إعجاز القرآن والبلاغة النبوية، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٩٩٠ م.
- الراغب الاصفهاني، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، الدار الشامية، بيروت، ١٤١٢ ق.
- الزمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.
- سعران، محمود، علم اللغة، بيروت، دار النهضة العربية، لاتا.
- السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن، الاتقان في علوم القرآن، تهران، امير كبير، ١٣٦٣ ق.
- الصافي، محمود بن عبدالرحيم، الجدول في اعراب القرآن، دمشق، بيروت، دار الرشيد، ١٤١٨ ق.
- الصغير، محمد حسين، الصوت اللغوي في القرآن، لبنان، بيروت، دار المورخ العربي، الطبعة الاولى، ٢٠٠٠ م.
- صالح، صبحي، دراسات في فقه اللغة، دار العلم للملايين، الطبعة التاسعة، ١٩٦٩ م.
- طالقاني، سيد محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، بی تا.
- طباطبائي، سيد محمد حسين، السميزان في تفسير القرآن، ترجمه محمد باقر موسوي همداني، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٧ ق.
- قحماوي، محمد صادق، تجويد قرآن كريم، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ اول، ١٣٨١ ش.
- قطب، سيد، في ظلال القرآن، دار الشروق، ١٤١٢ ق.
- المبارك، محمد، فقه اللغة وخصائص العربية، دار الفكر، لاتا.
- مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٦٠ ش.
- موسوي بلده، سيد محسن، حلية القرآن، شرکت انتشارات احياء كتاب، ١٣٨٧ ش.
- النادري، محمد أسعد، فقه اللغة؛ مناهله ومسائله، بيروت، المكتبة العصرية، ٢٠٠٥ م.
- هلال، عبد الغفار حامد، الصوتيات اللغوية، دار الكتاب الحديث، ٢٠٠٩ م.
- ياسوف، أحمد، جماليات المفردة القرآنية، دمشق، دار المكتبي، الطبعة الثانية، ١٩٩٩ م.